فضای تاریخی عرضه و تبیین معارف دین از سوی اهل‌بیت علیهم‌السلام با تأکید بر آموزه‌های روایی
سیّد مصطفی مطهری
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شمارهٔ ۳۷ «ویژهٔ حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۹۳ ـ ۱۲۱

فضای تاریخی عرضه و تبیین معارف دین از سوی اهل‌بیت علیهم‌السلام با تأکید بر آموزه‌های روایی

سیّد مصطفی مطهری*

چکیده: ارائه و تبیین آموزه‌های عمیق شیعه که ریشه در کتاب و سنّت دارند، نیازمند بستری مناسب است که تحقق آن در ارتباط مستقیم با همسویی یا عدم همسویی عناصر اثرگذار تاریخی یا همان اجزاء سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. تأمّلی بر تأثیر این عناصر بر روند ارائهٔ اجمالی ـ تفصیلی دستگاه معرفتی شیعه و تبیین آن در دوره‌های مختلف حضور امامان، بدون پیدایش تغییر در مبانی آن، مهر تأیید می‌نهد.

نوشتهٔ پیش رو تلاش دارد تا نظریهٔ فوق را به صورت تطبیقی در مورد آموزهٔ امامت، بر اساس روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام ارائه نماید که در آن، ضمن پاسخ به چرایی برخی پدیده‌های تاریخی معرفتی، چگونگی روند مذکور را پیش از دوران غیبت آن‌چنانکه منظومهٔ معرفتی اهل‌بیت علیهم‌السلام در نهان دارد، نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: اهل‌بیت علیهم‌السلام / امامت / روایات شیعه / عناصر تاریخی / تبیین عقیده / تبیین اجمالی تفصیلی.

---

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث. ***Email: S.mostafa12@gmail.com***

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

درآمد

از حدود یکصد سال پیش تاکنون، خصوصاً در دو سه دهۀ اخیر، جـریانهای نوگرای مسلمان و غیر مسلمان با انجام پژوهشهایی نقادانه در حوزۀ اندیشۀ شیعه، سعی نموده‌اند برخی بنیانهای معرفتی شیعی را غیر ثابت و به گونه‌ای برآمـده از پدیده‌های تاریخی و بدون پشتوانۀ کتاب و سنّت نبوی بدانند. از این‌رو، نزد ایشان آنچه شیعیان در دوره‌های مختلف و از ابتدای پیدایش بدان معتقدند، لااقل در آن قسم که با دیگر مسلمانان همسو نیستند، ساختگی و مبتنی بر تلاشهای آنان برای حفظ جایگاه خود در عرصه‌های گوناگون بوده است (عقیده ساز بـودن تـاریخ). نمونۀ آن موضوع امامت و بهره‌مندی جانشینان پیامبر از علم، عصمت و منصوص بودن ایشان است.

در برابر، دیدگاهی وجود دارد که با اساس قرار دادن قرآن و همان منابع روایی و با به‌کارگیری روش قدماء در اعتبارسنجی روایات، تلاش دارد تا فرضیه‌ای بدیل را ارائه کند که به لحاظ روشمندی مطالعات تاریخی، کارآمدترین نوع آن، یعنی روش بررسی توصیفی ـ تبیینی را که موجب تحقّق فهم دینی و مسیرشناسی آن می‌گردد (قراملکی، ص ۲۷۶۸)، به کار گیرد و با در نظر گرفتن نـقش عـناصر تـاریخی (اثـرگذار) سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مسیر تـبیین اجـمالی ـ تـفصیلی آمـوزۀ امامت در فضای جامعه را از نگاه روایی را نشان دهد. در این دیگـاه، سـه بـحث اساسی مطرح است: نخست مبانی نظری، دوم ترسیم فضای اجمالی ـ تـفصیلی تبیین و سوّم ارائۀ نمونه‌های تطبیقی. آنچه در این نوشتار دنبال می‌شود بیان مرحلۀ دوم است.

عناصر تاریخی

برای تحلیل واقعی یک پدیده نیازمند شناخت و به‌کارگیری عناصر تاریخی و اثرگذار بر آن رویداد هستیم. از این‌رو، تعبیر عنصر تاریخی به معنای هر حادثه (یا جزء) کوچک از مجموعۀ اجزای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و در پاره‌ای موارد،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

اقتصادی است که در یک جریان فکری در بستر تاریخ نقش آفرین بوده است و بدون توجّه به مجموعهٔ اجزاء و میزان همسویی یا عدم آن، تحلیل یک پدیده ناتمام است. با دقّت در هماهنگی عناصر تاریخی در مقاطع مختلف دورهٔ حضور اهل‌بیت، یا عدم آن، و نیز سیر نشر و تبیین آموزه‌های معرفتی، به طور نسبی، می‌توان در تبیین اصل امامت، چهار دوره را در نظر گرفت که هر دوره تکمیل کنندهٔ جزئی از سیر تبیین اجمال به تفصیل است:

۱. دورهٔ پیامبر اکرم تا پایان دورهٔ امامت امام سجّاد علیه‌السلام است: (پایه ریزی اندیشه)

۲. دورهٔ امامت صادقین علیهماالسلام تا سال ۱۴۵ هجرت (شکل‌گیری و شکوفایی معارف)؛

۳. دورهٔ امامت امام کاظم و امام رضا علیهماالسلام (تثبیت و تصحیح اندیشه)؛

۴. دورهٔ امامت امام جواد علیه‌السلام تا آغاز عصر غیبت (کارکرد عینی اندیشه)؛

انواع عناصر تاریخی

مجموعهٔ عناصر تاریخی اثرگذار و برخی نمونه‌های برجستهٔ آن در دوره‌های مذکور عبارت‌اند از :

۱. عنصر سیاسی

سیاست در معنایی کلّی، تلاشی برای کسب، حفظ، افزایش و نمایش قدرت است. در نتیجه، هرگونه تلاش حاکمان برای حفظ حکومت و ثبات آن، و نیز فعّالیتهای مخالفان در راستای برخورد و تضعیف آن، عناصر سیاسی دانسته می‌شود. بنابراین، مراد ما از عنصر سیاسی، هر نوع کنش و واکنشی است که بازگشت آن به نهاد حاکمیت و قدرت منتهی شود.

نمونه‌های این موارد عبارت‌اند از: فضای خفقان سیاسی (ابن الاثیر، ج ۳، ص ۴۷۷؛ الجاحظ، الحیوان، ج ۱، ص ۱۶۷؛ همو، الرسائل السیاسیة، ص ۲۹۷؛ شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۲۸)، مسئولیتهای حکومتی (شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۱۷۰)، جنبشهای معارض با حکومت (ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۸۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۸۱)، تبلیغات سیاسی (فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۵؛ کلینی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

ج ۲، ص ۲۲۴؛ کشّی، ص ۲۶۶)

۲. عنصر فرهنگی

فرهنگ اندوخته‌ای است که به زندگی انسانها در دو بعد فردی و جمعی، شامل علم و معرفت، آداب و رسوم و... معنا و جهت می‌دهد. بنابراین، مراد ما از عنصر فرهنگی، چیزی است که این معنا و جهت را تأمین می‌کند.

موارد زیر مهم‌ترین این عوامل‌اند؛ فراگیری آموزه‌ها (کلینی، ج ۳، ص ۲۳۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۲۰؛ کشّی، ص ۱۶۳؛ شوشتری، ج ۱۹، ص ۵۷۹، ج ۲۸، ص ۶۰۸، ج ۱۲، ص ۳۸۷)، وجود فرهیختگان (نجاشی، ص ۱۰؛ کشّی، ص ۱۳۷؛ مفید، الاختصاص، ص ۶۶)، روحیهٔ پرسشگری و تلاش برای دانش اندوزی (کشّی، ص ۱۰۹؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۶۲، ج ۳، ص ۲۷۴، ج ۵، ص ۳۶۲) مواجهه با افکار جدید (نجاشی، ص ۴۳۳؛ سیّد مرتضی، ج ۱، ص ۹۴؛ مسعودی، ج ۲، ص ۲۲۴)

۳. عنصر اجتماعی

جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که بر اساس ویژگیها و عواملی درکنار یکدیگر گرد آمده و بر همین اساس، مناسباتی در میان آنها، برقرار است. بنابراین مراد ما از عنصر اجتماعی، چیزی است که بر رابطهٔ میان اجزاء اجتماع اثرگذار باشد.

موارد زیر مهم‌ترین این عناصرند؛ گستردگی بلاد اسلامی (کلینی، ج ۱، ص ۵۱۵؛ کشّی، ص ۸۰؛ نجاشی، ص ۱۷ و ۳۷۱)، پراکندگی جمعیتی (رسول جعفریان، نقشه‌ها)، مقبولیت عمومی و جایگاه مردمی (کلینی، ج ۲، ص ۲۰؛ کشّی ص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۳۷؛ إربلی، ج ۲، ص ۳۶۳)

۴. عنصر قدرت اقتصادی

زمینه‌سازی برای بروز برخی جریانها یا توسعهٔ آنها، گاه وابسته به قدرت اقتصادی است. از این منظر، مراد ما از عناصر اقتصادی، قدرت اقتصادی جامعه یا همان میزان جریان مالی در بخشهای گوناگون آن است که در ارتباط مستقیم با عناصر دیگر نمایان می‌شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

نمونه‌هایی از تأثیرات قدرت اقتصادی عبارت‌اند از: تبلیغات سیاسی، تطمیع در میان خواص (شیخ آل یاسین، ص ۱۷۵)، نگارش مجعولات (تبلیغات بنی‌امیه در برابر و به ضدّ خاندان پیامبر، پیشین)، گسترش هرزگی و فساد اخلاقی (اصفهانی، ج ۸، ص ۲۴۴) و سازمان وکالت و کارکردهای آن (جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام).

نقش آفرینی عناصر تاریخی

با توجّه به گفته‌های پیشین، اکنون نوبت به ترسیم مدلی است که در سایهٔ آن فضای پیش روی تبیین معارف و سیر اجمال به تفصیل آن بر اساس نقش آفرینی عناصر تاریخی، نشان داده شود.

۱. دورهٔ پیامبر اکرم تا پایان دورهٔ امامت امام سجّاد علیه‌السلام

تبیین دوران پیامبر، به عنوان نقطهٔ آغازین، دارای اهمیتی خاص و حوادثی متنوع است؛ لیکن به جهت محدودیت نوشتاری تنها به گوشه‌هایی مختصر از مهمترین آن می‌پردازیم.

۱ـ۱) اسلام و پیامبر

۱ـ۱ـ۱) پیامبر در مکّه

حجاز سرزمینی با ویژگیهای خاص بود که آن را از دو همسایهٔ قدرتمندش، ایران و روم، متمایز می‌کرد. عدم وجود یک حاکمیت یکپارچهٔ داخلی، عدم تسلط قدرتی خارجی و قبیله‌گرایی مهم‌ترین ارکان سیاسی این منطقه را شکل می‌داد. از نظر عقیدتی نیز وضع به همین منوال بود و تشتت عقیدهٔ الهی و غیر الهی آن را فرا گرفته بود. (ریجیس بلاشر، ص ۳۷) انساب، شعر و توصیف اسب، شراب و زن مهم‌ترین بخش فرهنگ آنان را شامل می‌شد. در بعد اجتماعی و اقتصادی، چنانکه از سخنان جعفر طیار به پادشاه حبشه بر می‌آید، محدودیتهای منابع در کنار مناسبات قبیله‌ای، جنگ و غارت، برده‌داری، زنده به گور کردن دختران و دهها ناهنجاری اجتماعی فراگیر شده بود. (ذهبی، ج ۱، ص ۱۹۳)

با ظهور اسلام تحوّلی عظیم پدید آمد. ابتدایی‌ترین شرط پیامبر برای ایمان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

دست کشیدن از زشتیها در سایهٔ اعتقاد به یکتایی خدا، همانند آنچه در پیمان عقبه به عنوان شروط ایمان آوردن بیان شد، مطرح گشت. هر چند پیامبر به سبب مخالفت شدید سران قبایل و اشراف ابتدا دعوت خود را به مدّت سه سال، مخفیانه انجام داد، تا بتواند به دور از چشم آنها عدّه‌ای را با خود همراه سازد، امّا با علنی شدن دعوت، همان گروه اندک مسلمانان، به سبب انواع فشارهای مشرکان مجبور به مهاجرت از مکّه شدند.

همو با تشریح موقعیت سیاسی ـ اجتماعی مسلمانان، خفقان حاکم بر اندیشه دینی و فضای ابراز عقیده به نوع آموزه‌های پیامبر، که حالتی اجمالی و خالی از هر نوع توضیحی بوده، اشاره می‌کند؛

> [پیامبر] *ما را به الله فراخواند تا او را یکتا بدانیم و تنها او را بپرستیم. بتهایی را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم به دور افکنیم. ما را به راستی در گفتار، ادای امانت، پیوند با خویشان، نیکی با همسایه، دست برداشتن از گناهان و خونریزی فرمان داد و از زشتیها و سخنان ناروا، خوردن مال یتیم و تهمت زدن به زنان پاکدامن بازداشت. او از ما خواست تنها خدا را بپرستیم. هیچ چیز را شریک وی نگیریم و ما را به نماز، روزه و زکات فرمان داد.* (همانجا)

این گفته‌ها به خوبی نشان می دهد که پیامبر با جامعه‌ای مملوّ از مشکلات و تعصّبات اجتماعی ـ فرهنگی مواجهه بوده و تلاش برای القای سطحی‌ترین معارف الهی در آن تا چه اندازه دشوار بوده است.

۱ـ۱ـ۲) پیامبر در مدینه

پیامبر در مدینه با وجود انواع تهدیدات احتمالی، با ساخت مسجد (الصالحی الشامی، ج ۳، ص ۵۳۳)، تأکید بر برادری و مساوات میان انصار و مهاجرین (همانجا) و نیز پیمان تشکیل امّت واحد میان مسلمانان و غیر مسلمانان (ابن هشام، ج ۲، ص ۵۰۱ـ۵۰۴)، مهم‌ترین گامها را برای فراهم نمودن بستری مناسب جهت پایه‌ریزی و پیاده‌سازی آموزه‌های وحیانی برداشتند. هر چند این برنامه به جهت شدّت سیطرهٔ فرهنگ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

جاهلی و افزایش تدریجی ایمان آورندگان به پیامبر (نصر (۱۱۰) / ۱) کار را دشوار می‌نمود و انتظار تغییر جامعهٔ جاهلی نیز وجود نداشت، امّا با تلاشهای پیامبر حرکتی آغاز شد که طی آن ریشه‌های جاهلیّت و عصبیت مورد هدف قرارگیرد و در نتیجه، رفتار جاهلی، با ساده‌ترین الگوها، مانند حشر با عربهای زمانِ جاهلیت، مصداقی برای زشتی دانسته شود. (کلینی، ج ۲، ص ۳۰۹) از این رو، حتّی در سالهای آخر حیات پیامبر و پس از رحلت ایشان به جز دربارهٔ برخی خواص، شاهد چنین رفتارهایی هستیم.

علاوه بر این، نبود جمعی فرهیخته برای القای معارف از مشکلات اصلی به شمار می‌رفت. پیامبر همگان را به یادگیری، خواندن و نوشتن و نیز کتابت گفتارش تشویق نمود (همو، ج ۱، ص ۳۰)؛ زیرا عموم این افراد به علّت داشتن پیشینهٔ جاهلیت، شدّت رخنه کردن آن در تفکراتشان و نیز بی‌اطلاعی از علوم، حتی از توان پرسش هم عاجز بودند و تنها مشتاق شنیدن معارف در پرسشهای دیگران و بهره‌گیری از آن به مقدار حاجتشان بودند. (همان، ص ۶۴)

از این رو، نوپایی دانش اندوزی، سبب شد تا پیامبر در تبیین عمومی آموزه‌های الهی نتواند از حالت اجمال خارج شود. (همان، ص ۲۳) در نتیجه، به تدریج و در فضای نزول آیات، مانند جریانات جنگی یا مراجعهٔ اهل ادیان، و به تناسب احتیاجات و فهم آنان، تفسیر آیات، سنن و فرائض نیز بازگو می‌شد (هیثمی، ج ۱، ص ۱۳۲) یا در اوقات معیّنی، حلقه‌های علمی با بیان شنیده‌ها از پیامبر و آموزش قرآن (همانجا) تشکیل می‌گشت. در این میان، تنها عدّهٔ معدودی مانند امام علی علیه‌السلام، سلمان و ثابت‌بن معاذ، توانستند روحیهٔ پرسشگری خود را نمایش دهند. (طبری، المسترشد فی الإمامة، ص ۲۶۳)

از سوی دیگر، تأمّلی در آیات مکّی و مدنی قرآن نیز نشان می دهد که میان سطح عمومی مردمان این دو شهر در خلال حیات رسول خدا تفاوتهای معرفتی پدید آمده که ارتباط مستقیمی با عناصر تاریخی دارد؛ زیرا دانش عمومی تنها از حالت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

بدوی خود خارج و به مرتبهٔ اجمال‌گویی رشد یافته است. آیات مکّی غالباً با خطابی کلّی و موعظه‌ای و با رویکردی توحیدی، معادی و اخلاقی (لقمان (۳۱) / ۱۸ـ ۱۹) است؛ در حالی‌که آیات مدنی غالباً با رویکردی جزئی و ناظر به انواع موضوعات و فروعات است. این نسبت میان آیات ابتدایی ورود پیامبر به مدینه و آیات سالهای آخر حیات ایشان نیز برقرار است. آیات سالهای آخر، در بردارندهٔ موضوعاتی نظیر کلیّات فروعات احکام و نیز تبیین مواضع سیاسی و حکومتی مانند رفتارهای منافقین، مشرکین و جهاد با آنها در قالبی کلّی است. هر چه زوایای یک آموزه بیشتر یا اهمیّت آن بالاتر بوده، اجمال‌گویی آن نیز بیشتر و بیان تفصیلی‌اش در زمان طولانی‌تری انجام پذیرفته است.

در برابر این تلاشها نخستین تحرکات فرهنگی مخالفان اسلام با ساخت مسجد ضرار و سعی در واپسگرایی جاهلی شروع و ریشه‌های نفاق در ممانعت از فراگیری آموزه‌ها و رشد آن نمایان شد (نساء (۴) / ۶۱) و تا آنجا ادامه داشت که گاه روایاتی دروغین به پیامبر نسبت می دادند. (کلینی، ج ۱، ص ۶۴) با وقوع جنگهای سالهای نخست هجرت و شهادت برخی صحابهٔ راستین مانند حضرت حمزه و عدّه‌ای از قاریان قرآن، بخشی از فضای فرهنگی دچار آسیب شد و اجازه نداد پیامبر از جمع فرهیختهٔ خود بهره ببرد. به علاوه در هر جنگی که مسلمانان موفقیتی به دست نمی‌آوردند، وضعیت اجتماعی آنان تضعیف می شد. (آل عمران (۳) / ۱۲۳؛ توبه (۹) / ۲۵) این ضعف اجتماعی خود عاملی برای تردید و عدم مراجعه برای دریافت معارف بود. (محمّد (۴۷) / ۲۰) هر چند اندکی بعد با پیروزی مسلمانان در جنگ خندق (احزاب (۳۳) / ۲۲) و فتح مکّه (فتح (۴۸) / ۱) و مجموعهٔ حوادث سال آخر حیات پیامبر، مانند: ماجرای حدیث ثقلین، غدیرخم و نزول آیهٔ اکمال، فرستادن لشکر اسامه و واقعهٔ لوح و قلم خصوصاً در فاصلهٔ هفتاد روزهٔ حجة الوداع تا آخر ماه صفر در سال دهم، این جایگاه تا اندازهٔ زیادی، تثبیت شد و به تناسب آن اوضاع سیاسی ـ فرهنگی برای بهره‌گیری از رسول خدا بهبود یافت. (فتح (۴۸) / ۲۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

بنابراین، در مورد معارف عمیق اسلامی می‌توان به درستی ادّعا نمود که «پیامبر در زمان رحلت، طرحی از یک جامعهٔ سیاسی مبتنی بر علقه‌های مذهبی و مفهومی از یک زندگی توحیدی را فراهم آورده بود.» (Ira M.Iapidus, a history of Islamic societies) و طبیعتاً تفصیل این کلیّت محتاج مفسّری بود که درگذر زمان آن را بیان نماید.

۱ـ۲) از دوران امام علی علیه‌السلام تا پایان دوران امام سجّاد علیه‌السلام

۱ـ۲ـ۱) عوامل سیاسی

با رحلت پیامبر، مهم‌ترین مسئلهٔ سیاسی مسلمانان جانشینی پیامبر بود. با واقعهٔ شوم سقیفه و عدم رغبت عمومی برای تشکیل حکومتی با محوریت اهل‌بیت (وصیت پیامبر)، شرایط سختی در برابر امام پدیدار گشت. تلاشهای دختر پیامبر نیز برای احیای مجدد این سفارش و برگرداندن آن به جایگاه اصلی خویش ناکام ماند و با این سخن جاهلی مواجه شد که:

اگر ابوالحسن [علیه‌السلام] برای ما حقایق را عنوان می‌کرد قبل از آنکه ما با دیگری (ابوبکر) عهد می‌بستیم، هرگز از او روی بر نمی‌تافتیم و به دیگری میل نمی‌کردیم. (طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸)

در نتیجه امام، پس از حدّاقل شش ماه موضع گیری، به سبب برخی فشارهای سیاسی جناح رقیب[1] (ابن عبد ربه، ج ۱۷، ص ۲۲۳) به یکباره در انزوا قرار گرفت که گوشه‌هایی از آن در خطبهٔ شقشقیه بیان شده است. (شیخ مفید، الجمل، ص ۱۲۷)

هنگامی که امام به حکومت رسید، دو جریان سیاسی مدّعی هواداری عثمان و نیز معاویه و جریان اجتماعی ـ مذهبی خوارج جنگهایی را بر امام تحمیل نمود که نتیجهٔ آن پیدایش ضعف در ادارهٔ امورکشور و عدم توانایی در استفاده از این فرصت در راه ارتقای سطح معرفتی عموم بود. سخنان امام مبنی بر به ستوه آمدن و دل شکسته شدن از مردم به خوبی این فضا را ترسیم می‌کند:

۱. سخن مؤمن طاق در مورد احتمال ترور امام می‌تواند نمونه‌ای از باور عمومی اصحاب امام باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

گرفتار کسانی شده‌ام که چون امر می‌کنم، فرمان نمی‌برند؛ و چون می‌خوانم، پاسخ نمی‌دهند... فریاد می‌خواهم و یاری می‌جویم، نه سخنم می‌شنوید نه فرمانم را می‌برید... (سیّد رضی، نهج البلاغه، خطبه‌های ۲۵ و ۳۹)

پس از شهادت امیرالمؤمنین، مقاومت سیاسی امام حسن علیه‌السلام در فضای متشتّت سیاسی همانند دورهٔ قبل سودی نبخشید. چندین بار به امام سوء قصد شد (ابن اعثم ج ۴، ص ۲۸۸) و در نهایت ساختار حکومتی امام به دلیل خیانتهای حاصل از تطمیع و تردید از هم پاشید و امام مجبور به مصالحه و انتقال قدرت به معاویه شد. (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۸۷)

تبلیغات سیاسی معاویه و خصوصاً بخشنامه‌های خشونت بار بر ضدّ دوستداران خاندان پیامبر موجب پراکندگی و شهادت عدّه‌ای از فرهیختگان مانند عمرو بن حمق، رشید هجری و بسیاری دیگر شد که در همراهی امام علی علیه‌السلام نقش اساسی داشتند. (شریف قرشی، ج ۲، ص ۱۶۷) با این وضع، قدرت تشکیلاتی امام کاملاً از میان رفت تا آنکه با روی کار آمدن یزید، امام حسین علیه‌السلام خطر نابودی دین را به چشم دید. موضوع دعوت از امام و عدم پایداری اهل کوفه سبب شد تا در این اوضاع، واقعهٔ عاشورا در جلوگیری از حذف کامل سنّت نبوی مؤثّر واقع شود. (ابن طاووس الحلی، اللّهوف، ص ۲۴)

با شهادت امام تنها برای چند روز امام سجّاد علیه‌السلام و ناحیه امامت، توانستند به برخی جنبه‌های عاشورا بپردازند و در نتیجه، به تدریج، موجی از خشم بر ضدّ امویان مخصوصاً در کوفه ـ که نقشی اثرگذار در این واقعه داشت ـ شکل گیرد و انقلابهایی را به راه اندازد. هر چند که این انقلابها در حالت کلّی می توانست کوفه را به پایگاهی با بن مایه‌های تفکّر شیعی تبدیل کند، امّا عدم هماهنگی آنها با امام سجّاد علیه‌السلام از یک سو و مراقبتهای زبیریان از رفتارهای امام باعث شد تا مسیر دیگری طی شود و شرایط همچنان برای انتقال معارف شیعی مساعد نگردد و حتّی امام جایگاهی سیاسی در بین انقلابیون نیز نداشته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

شدّت خفقان در دورهٔ طولانی حجّاج نیز همین شرایط را رقم زد. معدود افرادی از شیعیان در حجاز باقی ماندند که تعدادشان به بیست نفر هم نمی‌رسید. (الثقفی، ج ۲، ص ۳۹۴) برخی از همین افراد مانند سعیدبن جبیر از قدیمی‌ترین مفسّرین قرآن (ابن‌جوزی، ج ۱، ص ۷۶ ـ ۷۷؛ واقدی، ص ۲۵۶ و ۲۶۷) نیز به شهادت رسیدند. شدّت واکنش حجاج به فعالیتهای اندک و تقیّه‌ایِ امام (اربلی، ج ۲، ص ۱۰۳؛ واقدی، ج ۵، ص ۲۱۴) در نامهٔ او به عبدالملک بن مروان و اعلام احساس خطر نسبت به امام به خوبی روشن است. (صفار، ص ۳۹۷) این اوضاع که بدترین شرایط سیاسی و خفقان در دوران امامت است، تا روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت.

۱ـ۲ـ۲) شرایط فرهنگی

شیوهٔ خلفاء در ادارهٔ امور، نابسامانیهای فرهنگی فراوانی را بر جای گذاشت. (شیخ مفید، الجمل، ص ۶) با صدور فرمان منع کتابت حدیث (خفقان فرهنگی) به بهانهٔ انحراف در قرآن (احمدی میانجی، ج ۱، ص) و حتّی عدم اجازهٔ بیان آن برای دیگران از یکسو (ابوریه، ص ۴۷ ـ ۵۳) و تبلیغ معارف دین توسّط یهودیان تازه مسلمان، مانند کعب‌الاحبار و حتّی ارجاع علمی به آنان و ترویج اسرائیلیات (ابن اعثم، ج ۴، ص ۳۲۶)، رفتارهای اشتباه خلفاء دربارهٔ سنن پیامبر، مانند آنچه خلیفهٔ اوّل از آن احساس پشیمانی می‌نمود (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ ذهبی، تاریخ‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۷ ـ ۱۱۸) دیگر مجالی برای حضور اهل‌بیت و بیان شریعت باقی نمی‌ماند؛ حتّی امام علی علیه‌السلام نیز به جز پاره‌ای موارد در اجتماع حضوری نیافت و غالباً در نخلستان و به دور از چشم دوستان و مردم به سر می‌برد. (فتال، ج ۱، ص ۱۱۱؛ شیخ طوسی، الأمالی، ص ۷۷)

استفاده از برخی اصحاب امام علی علیه‌السلام مانند عمّار یاسر و سلمان در مناصب حکومتی و دور نمودن ایشان از امام و نیز تبعید برخی دیگر مانند ابوذر و منع سخن گفتن با او (امینی، ج ۱۶، ص ۱۰۷) به خاطر بیان فضایل امام (یعقوبی، ج ۱۲، ص ۶۷ ـ ۶۸) سبب گردید تا امام در سازماندهی یک جریان فرهنگی پویا، موفقیت چشم‌گیری به دست نیاورد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

مشکل دیگر، نبود روحیهٔ پرسشگری عمومی بود که حکایت از مانعی جدّی بر سر گسترش معارف داشت. حتّی سخن معروف امام علی علیه‌السلام «**سلوني قبل أن تفقدوني**» (کلینی، ج ۱، ص ۶۰۴) نیز نتوانست تمایلی به پرسش در آنها ایجاد کند و فضای علمی آنان را به حرکت درآورد و تنها پاسخهایی اجمالی به اندک سؤالات مطرح شده حتّی دربارهٔ واقعه غدیر داده می‌شد. (امینی، ج ۱، ص ۶۷۴)

تبلیغات گسترده شامیان بر ضدّ اهل‌بیت[1]، از قبیل سبّ امیرالمؤمنین بر منابر (امینی، ج ۱۰، ص ۳۶۹)، جعل حدیث بر ضدّ اهل بیت (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴ ـ ۴۶) و مناقب سازی برای معاویه (طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۶) تأثیر به‌سزایی در عدم شناخت تازهٔ مسلمانان از امام و دوری آنها از دیدگاههای امامان داشت.

تنها در دورهٔ حکومت امام علی علیه‌السلام و اندکی قبل از آن، حضور حسنین علیهماالسلام، عمّار، مالک اشتر، ابن عباس و دیگر فرهیختگان در تبیین مسایل مختلف و معمولاً در شرایط جنگ، حاکی از تلاش گستردهٔ امام برای تسلّط بر پیچیدگی شرایط دارد. بیان خطبه‌ها و کتابت نامه‌های حاوی معارف مانند نامهٔ مالک اشتر، و وصیّت به حسنین، در کنار پرداختن برخی اصحاب به تألیفاتی اندک در فقه و احکام قضاوت و سنن و کلام و ادعیه (نجاشی، ص ۱ ـ ۶) تنها تلاشهای مؤثّر در این دورهٔ کوتاه است که بیان آن غالباً برای خوّاص جامعه صورت می‌گرفت.

در این میان، کوششهای امام در تربیت اندک نیروهای جدید، هر چند موفقیت‌آمیز بود، امّا غالب این افراد در همان دوران امام به شهادت رسیدند و باقی‌ماندهٔ آنان نیز در زمان حسنین علیهماالسلام، به شهادت رسیده یا تبعید شدند. انزوای حسنین علیهماالسلام در فضای مدینه اوج نابسامانی فرهنگی و اعتقادی جامعه اسلامی را نشان می‌دهد. با وقوع عاشورا و ورود امام سجّاد علیه‌السلام به مدینه تأثّرات عمیقی در

۱. برای نمونه در جنگ صفّین، جوانی از لشگر معاویه دربارهٔ علّت حضورش در جنگ می‌گوید: «چنان که به من گفته‌اند مولای شما نماز نمی‌گزارد و شما نیز نماز نمی‌گزارید، ... او خلیفهٔ ما را کشته و شما در کشتن او به وی کمک کرده‌اید.» (نصربن مزاحم، ص ۳۵۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

مردم ایجاد شد؛ امّا گذشت زمان و تشدید جوّ خفقان سیاسی و وضعیت اسفبار مدینه به لحاظ فرهنگی و بی‌تفاوتی آنها که به اوج رسیده بود، مانند حضور آواز خوانان (ابوالفرج الاصفهانی، ج ۸، ص ۲۴۴)، شرایط را بیش از پیش سخت و تیره کرد.

در نقلهایی که بعدها امام صادق علیه‌السلام آن را بیان می‌کند، تعداد اصحاب خاصّ امام سجّاد علیه‌السلام ـ که در روایتی دیگر ثقات علی‌بن الحسین نامیده شده‌اند (کشّی، ص ۱۲۴) ـ سه تا پنج (کلینی، ج ۱، ص ۴۷۲) نفر نام برده شده‌اند که تلاش زیادی برای تبیین جایگاه امامت نمودند. در نتیجه، برخی مانند ابوخالد کابلی، با تقیّهٔ شدید و با فرار به مکّه، جان سالم به در بردند و بقیه هم به شهادت رسیدند. (کلینی، ج ۲، ص ۳۷۹، برای سرنوشت این عدّه نک: کشّی، ص ۳۳۹) سخن امام سجّاد علیه‌السلام به درستی، ترسیم کنندهٔ فضای فرهنگی و اجتماعی زمانه است:

> *نمی دانیم با مردم چگونه رفتار کنیم! اگر برایشان، از آنچه از کلام رسول خدا می دانیم بیان کنیم، به تمسخر می‌گیرند و اگر سکوت کنیم، برای ما جایز نیست.* (کلینی ، ج ۳، ص ۲۳۴)

به دلیل همین انحطاط معنوی جامعه است که نشر معارف در این دوره توسّط امام، با رویکرد موعظه و اخلاق وگاه نقل فضایل همراه است (برقی، ج ۱، ص ۶۱؛ حرانی، ص ۲۳۴) و آن چنانکه در دورهٔ بعد گفته می‌شود، بیان احکام فقهی اندک و معارف بنیادین به حداقل و در سطح کلّی آن می‌باشد. این اوضاع تا اواخر دورهٔ امام سجّاد علیه‌السلام و به خلافت رسیدن عمربن عبدالعزیز ادامه داشت.

۱ـ۲ـ۳) شرایط اجتماعی و قدرت اقتصادی

تأکید پیامبر بر حفظ موقعیت اجتماعی اهل‌بیت، با بیان آیات وکلماتی مانند آیهٔ مودّت (شوری (۴۱) /۲۳)، حدیث ثقلین و نظیر این دو، با رحلت آن حضرت و شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام و بروز رفتارهای جاهلی به فراموشی سپرده شد و به جز اندک شیعیان امام علی علیه‌السلام و صحابهٔ خاصّ پیامبر، کسی به جایگاه اجتماعی آنان آگاه نبود. (اربلی، ج ۱، ص ۴۸۵؛ الخزاز، ص ۳۶؛ طبری، ص ۳۴؛ سیّد رضی، ص ۱۴۳) از سوی دیگر،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

نداشتن نیروی کافی در فضای خفقان، اجازهٔ حضور پررنگ را به امام نمی‌داد. در مدّت بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر، فضای انزوا تا اندازه‌ای بود که تنها چند نفر معدود به تعداد یاران اولیّهٔ امام پیوستند. حتّی در انتخاب امام برای حکومت تأکیدی بر جایگاه اجتماعی ایشان به عنوان اهل‌بیت وجود نداشت و امام نیز در اعتراض به عدم همراهی مردم سخنی از این جایگاه به میان نمی‌آورد[1]. به‌علاوه شروع مقابلهٔ نظامی با ناحیهٔ امامت از این دوران، گویای عدم توجّه این جایگاه است. سخن امام رضا علیه‌السلام در تحلیل این دوران «**حَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ**» (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۷۰) اشاره به همین نکته دارد.

شیخ مفید در توصیف اوضاع، پس از این دوره، جامعهٔ پیرامون امام حسن را متشتت و متشکل از شیعیان، خوارج، اصحاب معاویه، طمعکاران، عوام، و صاحبان عصبیت ترسیم می‌کند که امام حتّی در میان دوستدارانش، به غربت، روزگار سپری می‌کند (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰) که نمونهٔ آن سخن امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ مذل‌المؤمنین خواندن امام است. (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۸۷)

این دسته‌بندی به خوبی نشانگر عدم وجود شرایط اجتماعی مناسب برای القای هرگونه معارف است. حضور حسنین علیهماالسلام در مراسم حجّ به عنوان فرزندان پیامبر نیز مؤثّر واقع نشد. حتّی امام حسین علیه‌السلام در نامهٔ خود به هنگام قیام بر جایگاه اجتماعی خود تأکیدی نمی‌کند. (ابن قولویه، ص ۷۵)

دشواریهای پیش روی امام سجّاد علیه‌السلام، فقدان شرایط اجتماعی و زندگی در خارج شهر مدینه، در کنار مواضع برخی خواص هم در عدم تثبیت جایگاه امام قابل تأمّل می‌نمود؛ برای نمونه ابن الحنفیه فرزند امام علی علیه‌السلام، که اصل مسئلهٔ امامت به خوبی آگاه بود دچار تردید شد تا آنجاکه دواعی خود را برای امامت پس از امام حسین علیه‌السلام ابراز می‌دارد و از امام می‌خواهد او را به رسمیّت بشناسد[2]. (کشّی،

۱. تنها در یک مورد. (نک: سیّد رضی، ص ۳۶۴)

۲. روایت کشّی نه تنها هیچ دلالتی به مدّعای نویسندهٔ مقاله ندارد، بلکه حاکی از آن است که محمّدبن حنفیّه،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

ص ۱۲۰) این فضا در اواخر دوران امام سجّاد علیه السلام اندکی بهبود یافت. ماجرای اشعار فرزدق دقیقاً گویای همین مطلب است. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۸)

در بعد اقتصادی نیز با انجام فتوحات در زمان خلیفه دوم، درآمدهای بیت‌المال فراوان شد. تقسیمات طبقاتی بیت‌المال و ترویج روحیهٔ جاهلی ـ قبیله‌ای هنگام دریافت بیت‌المال و روند اشرافی‌گری و غنایم‌زدگی مخصوصاً در دورهٔ عثمان و بذل و بخششهای بی دلیل او، و اخراج ابوذر به ربذه به علّت مقابله با این روند (ابن‌کثیر، ج ۶، ص ۱۶۶)، موجب ثروت‌اندوزی بخشی از خواص و اعتباربخشی به امور سیاسی و مذهبی در قبال دریافت ثروت، خصوصاً به هنگام بهره‌گیری معاویه از آن در قبال سپاه امام حسن علیه السلام و نیز جعل روایات، شد (آل یاسین، ص ۱۷۵) و در نتیجه، فقر ایجاد شده و ثروت‌اندوزی هر دو سبب عدم اجرای معارف و احکام و روایج گرایشهای دیگر می‌شد.

در این میان، وضعیت اقتصادی اهل بیت نیز با تصرّف فدک و برخی اموال ایشان موجب شدّت دشواریها شد و در عمل، توان مالی ناحیه امامت را تا اواخر دوران امام سجّاد علیه السلام به شدّت کاهش داد؛ هرچند که امام علی علیه السلام آن را در دوران حکومت خود به جهت سیاستی عالمانه باز پس نگرفت.

۲. دورهٔ صادقین علیهما السلام

۲ـ۱) اوضاع سیاسی

با روی کار آمدن عمربن عبدالعزیز و شیوهٔ او در برخورد با اهل بیت، زمینه‌های بیان بسیاری از مسائل برای امام باقر علیه السلام گشوده شد. حتّی در زمان طولانی حکومت هشام‌بن عبدالملک نیز علی‌رغم جوّ خفقان شدید، امام سخن خود را همانند یک رقیب جدی در عرصهٔ سیاست بیان می‌نمود. (ابن‌طاووس الحلی، الأمان، ص ۶۶) این

← ابوخالد کابلی را به امامت امام سجّاد علیه السلام رهنمون می‌شود. در کتاب کافی روایتی هست که می‌تواند دالّ بر دعوی نویسندهٔ مقاله باشد. (الکافی، ج ۱، ص ۳۴۸) شرح و توجیح آن روایت در کلام علامه مجلسی و آیت الله خویی آمده است. (نک: مرآة العقول، ج ۴، ص ۸۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۵۰) (ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

برخوردها تا آنجا ادامه داشت که با قیام زیدبن علی علیه‌السلام تضعیف بنی‌امیّه شدّت یافت و زمینهٔ سقوط آنان فراهم شد. از این رو، دوران آغازین امام صادق علیه‌السلام سالهای ۱۲۵ هجری که با شکل‌گیری برخی قیامها و طرح شعارهایی در طرفداری از اهل‌بیت همراه بود، زمینه را برای نشر معارف ایجاد نمود. امام صادق علیه‌السلام با آزادی عمل به دست آمده، فعالیتهای خود را سرعت بخشید. ایشان علاوه‌بر مدینه در مناطق مختلفی مانند مکّه و منی با آزادی کامل، تا حوالی سالهای ۱۴۵، به نشر معارف پرداخت. علاوه‌بر اینکه شیعیان مناطق کوفه و خراسان بدون هیچ واهمه‌ای، نزد امام می‌رسیدند و کسی از جانب حکومت متعرض آنان نمی‌شد. (اربلی، ج ۲، ص ۷۴۰)

بدین ترتیب، در این دورهٔ بیست ساله، خفقان سیاسی از روی شیعیان، ناحیهٔ امامت، عالمان شیعه و شخص امام علیه‌السلام برداشته شده تا آنکه با قدرت‌گرفتن منصور فضای سیاسی رو به خفقان نهاد.

۲ـ۲) شرایط فرهنگی

در زمان صادقین علیهماالسلام ناگواریهای پیشین تغییر یافت. از این رو، صحیفهٔ سجّادیه با حدود بیست سال تأخیر به عموم عرضه می‌شود و یا ابوحمزهٔ ثمالی رسالهٔ زهد امام سجّاد علیه‌السلام را در زمان این دوره ارائه می‌دهد. (کلینی، ج ۲، ص ۴) در کنار آن، انواع پرسشها با تفصیل همان محتوا از طرف صادقین علیهماالسلام پاسخ داده می‌شود.

جریان (نهضت) ترجمه نیز در رشد فرهنگی این دوره مؤثّر بود. از اواخر دورهٔ بنی‌امیّه (سعیدالدیوه جی، ص ۹) و مراجعه آنها به برخی متون فارسی، رومی و یونانی، امر ترجمه رونق گرفت و چون محتوای آن جدید بود، حاوی سؤالاتی بود که عموم در پاسخگویی به آن عاجز بودند. نهایتاً این سؤالات به صادقین علیهماالسلام (احمدی میانجی، ج ۴، ص ۳۴۱) به عنوان عالمانی با علم فراوان[1] (کشّی، ص ۲۷۵) یا برخی شاگردانشان منتهی می‌شد. کتاب الرد علی أرسطالیس (أرسطاطالیس) فی التوحید، تألیف هشام نمونهٔ آن است.

۱. بلّغني أنّك عالمٌ بكلّ ما تسأل عنه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

(نجاشی، ص ۴۳۳)

نسل جدیدی از مسلمانان نیز با روحیهٔ پرسشگر پدید آمدند که تا آن روز سابقه نداشت و چاره‌ای برای فهمیدن معارف، جز مراجعه به صادقین نداشتند حتّی عالمان اهل سنّت نیز خود برای دریافت معارف به امام مراجعه می‌کردند. (نجّاشی، ص ۱۸۱؛ اسد حیدر، ج ۱، ص ۶۱؛ مروان خلیفات، ص ۵۳۶) تعداد فراوان علم‌آموزان از امام صادق، مؤیّد همین استقبال عمومی از علم امام است. (شیخ طوسی، الرجال، باب اصحاب جعفربن محمّد الصادق) پرسشهای آنان به لحاظ کیفی وکمّی، قابل مقایسه با دورهٔ پیشین نبود. ابان‌بن تغلب، جابربن یزید، زراره بن أعین، محمّدبن مسلم، هشام‌بن حکم، حمران بن أعین، جمیل‌بن دراج، مؤمن طاق و ... شاخصه‌هایی برای این نسل هستند که هر یک بیش از چند هزار روایات از امام شنیدند. (نجّاشی، ص ۱۱؛ کشّی، ص ۱۶۲ و ۱۶۷) امام اصحاب خود را به گونه‌ای تعلیم می داد که از هیچ نکته‌ای عبور نکنند تا بتوانند از جهت علمی پاسخگو باشند. (کلینی، ج ۱، ص ۶۰) یکی از روشن‌ترین این موارد سؤال زراره و محمّدبن مسلم دربارهٔ نماز مسافر است. (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۴) این همه در حالی است که امام صادق‌علیه‌السلام با ترسیم وضعیت معرفتی پیش از زمان امام باقرعلیه‌السلام، شیعیان را غیر آگاه به مناسک حج، حلال و حرام خود معرّفی و ابراز می دارند که در زمان پدرشان علم شیعیان به جایی رسید که مردم بدانها نیازمند شدند، پس از این که آنها نیاز به مردم داشتند. (کلینی، ج ۲، ص ۲۰)

این موارد در مقایسه با دورهٔ پیشین به روشنی حاوی روند تفصیلی معارف شیعی است.

۲ـ۳) اوضاع اجتماعی

در اواخر دوران امام سجّادعلیه‌السلام با روی کار آمدن عمربن عبدالعزیز به عنوان حاکم مدینه، جایگاه اجتماعی شیعیان و ناحیهٔ امامت بهبود یافت. او به صراحت از امام به عنوان اشرف الناس نام می برد. (ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۰۴ به نقل از ابن‌الجوزی) هنگامی که او در سال ۹۹ هجری به خلافت رسید، سه حرکت شایسته را در تبیین موقعیت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

اجتماعی امام و شیعیان انجام داد. (ابن ابی‌شیبه، ج ۹، ص ۳۳۷) نخستین کار او ممنوع کردن سبّ امام علی علیه‌السلام بود که از زمان آن حضرت تا آن موقع، یعنی حدود ۶۰ سال، در تمامی مناسبتهای رسمی مانند نماز جمعه، شنیده می‌شد. (سبط ابن‌جوزی، تذکرة‌الخواص، ص ۱۷) اقدام دوم بازگرداندن فدک بود که علاوه بر بار مالی دارای جایگاهی خاص در فرهنگ شیعه به عنوان الگوی مبارزه بود. (ابن الاثیر، ج ۵، ص ۶۳) و سوم دستور به تدوین و کتابت حدیث پس از حدود ۹۰ سال از فرمان خلیفهٔ دوم بود؛ هر چند تأثیر این فرهنگ تا ۱۰ سال پس از صدور این فرمان نیز به چشم می‌خورد.

صدور این فرمانها تغییرات گسترده‌ای در باورهای عمومی و کسب پایگاه اجتماعی امامان پدید آورد؛ چراکه دلایل او در این راستا به معنای نوعی قبول اشتباه پیشینیان و به گونه‌ای تثبیت حقانیت اهل بیت در دورهٔ پیشین بود.

علاوه‌بر این، جمعیت شیعیان حداقل به صورت هم نظری اجتماعی، به طور نامحسوس، رو به گسترش بود که می‌توانست ناشی از دو امر باشد: نخست حمایتهایی که از اهل‌بیت و علویان به جهت مبارزه با بنی‌امیّه انجام می‌شد؛ و دوم آسانی مراجعه به امام به عنوان یک مرجع علمی. از این رو، در زمان امام باقر علیه‌السلام پایگاه شیعی خراسان و قم شکل می‌گیرد و سپس در مصر یک پایگاه جدید شیعی ایجاد می‌شود که بدان اشاره خواهد شد. این شکل‌گیری و افزایش اماکن تجمّع شیعیان باعث می‌شد تا دامنهٔ نشر و عمق معارف وسیع‌تر گردد.

۳. دورهٔ امامت امام کاظم و امام رضا علیهماالسلام

۳ـ۱) اوضاع سیاسی

ویژگیهای مهمّ سیاسی این دوره مانند وجود فضای خفقان سیاسی شدید بر ضدّ علویان، اعتراضات و قیامهای شیعیان، ولایت عهدی امام رضا علیه‌السلام و خارج نمودن هر دو امام از مدینه (به بغداد و طوس) مسیری سرنوشت ساز را برای شیعیان رقم زد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

منصور دوانقی که در اندیشهٔ یافتن جانشین امام صادق علیه‌السلام بود، با وصیت هوشمندانهٔ ایشان مواجه شد. (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۹؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۱۰) وی تمام سعی خود را به کار بست تا با گماردن جاسوسانی از اوضاع شیعیان مطلع شود و آنها را به قتل برساند. (کلینی، ج ۱، ص ۳۵۲) چنان‌که از کتاب کافی بر می‌آید، فضای خفقان به اندازه‌ای بوده که حتّی بسیاری از خواص بر خلاف زراره (شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۷۵) به خاطر مصالحی، از جانشینی امام علیه‌السلام بی‌اطّلاع بوده‌اند. (کلینی، ج ۱، ص ۳۵۲)

به هر روی، با مماشات امام دوران هارون و منصور سپری شد. در دورهٔ مهدی عباسی، بار دیگر بر شدّت سختگیریها افزوده شد. او با به کارگیری زیدیانی که قائل به امامت مفضول بودند، علاوه بر مشروعیت بخشی به کار خود، سعی نمود شیعیان طرفدار امام را نیز از میان بردارد. گزارشهای تاریخی این دوره بحرانی شدن اوضاع بر ضدّ شیعیان را به خوبی نشان می‌دهد. هاشم‌بن ابراهیم زیدی که بسیاری از آثار زیدیه را نوشته بود، کتابی تحت عنوان تأیید امامت عباس به رشتهٔ تحریر در آورده است. زیدی با نوشتن مکتوبی دربارهٔ فرق و عقاید آنها، محلها و فعالیتهای هواداران امامت مانند یعفوریه، زراریه، اماریه و جوالیقیه را بیان می‌کند. به دستور مهدی این اثر در مدینه و کوفه قرائت می‌شود. هشام‌بن حکم در گزارشی تأکید می‌کند که امام به شدّت بر سکوت طرفدارانش اصرار می‌ورزیده است. (کشّی، ص ۲۶۵) این امر به وضوح، حاکی از جوّ خفقان سیاسی و افول در نشر گستردهٔ معارف دورهٔ پیشین است.

با روی کار آمدن هادی، باز هم بر شدّت برخورد با شیعیان و اعتراضات آنها، افزایش یافت و برخی سادات علوی مانند حسین‌بن علی (صاحب فخ) که مورد تأیید ناحیهٔ امامت بودند، به شهادت رسیدند و امام از سوی خلیفه، متهم به سازماندهی آنان شد؛ امّا اجل به خلیفه مهلت نمی‌دهد. (عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۵) پس از وی، هارون تحت تأثیر برمکیان، بار دیگر خفقان سیاسی بر ضدّ شیعیان را تشدید

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

می‌کند. وی ابتدا امام را به گمان قائم بودن، در بصره زندانی کرد و سپس در بغداد به همراه برخی دیگر از اصحاب، همانند یونس‌بن عبدالرحمن و ابن ابی‌عمیر در زندانی محبوس و پس از چندی به شهادت رساند. (نجاشی، ص ۳۲۶) دشواری این سالها در پاسخ امام کاظم‌علیه‌السلام به نامهٔ علی‌بن سوید به خوبی بیان شده است. (میانجی، ج ۴، ص ۵۱۰) این دشواریها سبب شد تا امام طی فرمانی به علی‌بن یقطین، فعالیت جمع فرهیختهٔ عالمان شیعی را در بغداد کاهش دهد. (شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۶۰)

پس از آن در سال ۱۸۳ دورهٔ امامت امام رضاعلیه‌السلام آغاز شد. اندکی بعد مأمون بر سرکار آمد و برای آرام نگهداشتن اوضاع سیاسی و کنترل قیامهای منطقه‌ای علویان همانند قیام محمّدبن جعفرالصادق (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۲) و نیز بر هم زدن وضعیت فرهنگی شیعیان، امام را با لقب الرضا (من آل محمّد) به عنوان ولیعهد معرفی و سپس به مرو راهی نمود. در این زمان، تدبیر امام در پذیرفتن ولایت عهدی و شروطی که برای آن نهاد، کار مأمون را سخت آشفته ساخت. مأمون در تشریح وضعیت سیاسی حکومتش معتقد بود امام کارهای خود را پنهان کرده و مردم را به امامت خود می‌خواند. (شیخ صدوق، عیون اخبارالرضاعلیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۷۰) چنان‌که خود مأمون در این‌باره اعتراف دارد، نه تنها اهداف سیاسی‌اش محقق نشد، بلکه گرایش فضای فکری جامعه نیز به سوی امام بیشتر شد؛ تا آنکه مأمون چاره‌ای جز به شهادت رساندن امام در سال ۲۰۲، و کنترل شیعیان و امام نهم از این راه ندید.

۳ـ۲) اوضاع فرهنگی

در دوران امام کاظم‌علیه‌السلام دانش اهل‌بیت که با تربیت خیل عظیم دانش‌آموزان مدرسهٔ صادقین‌علیهماالسلام که اکنون توانایی‌های خیره‌کننده‌ای در رشته‌های گوناگون به دست آورده بودند، به شهرهای مختلف انتقال یافته بود و موجی از پرسشهای علمی جدید را پدید آورد. امام کاظم‌علیه‌السلام با ساماندهی و بهره‌گیری از تشکیلات سازمان وکالت، تلاش نمود تا بدین وسیله، حجم عظیمی از این پرسشها را در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

شرایط گوناگون پاسخ دهد[1]. علاوه بر آن، نشر معارف حتّی در زندان نیز ادامه داشت؛ برای نمونه امام برای موسی‌بن ابراهیم مروزی (رئیس شرطه‌ها و معلّم فرزندان ابن شاهک) روایاتی در باب خلقت نوریه را در قالب یک کتابچه نقل می‌کند (نجاشی، ص ۴۰۸) که در زمان امام عسکری علیه‌السلام انتشار می‌یابد.

حضور عالمان فرهیخته مانند هشام‌بن حکم نیز غنای خاصّی به مباحث عقیدتی و دفع شبهات داده بود. برای نمونه می‌توان به سخن او در پاسخ به ادّعای یحیی‌بن خالد برمکی در موضوع عدم اطّلاع از حیات امام اشاره نمود. (کشّی، ص ۳۸۰)

این وضع تا شهادت امام ادامه داشت تا آنکه در دورهٔ مأمون و انتقال امام رضا علیه‌السلام به مرو دور جدیدی از رونق فرهنگی پدید آمد. بسیاری از شیعیان و نیز سایر گروههای اسلامی مشتاق که تا آن وقت موفّق به دیدار امام نشده بودند، از امام به‌گرمی استقبال کردند. هر چند مأمون مسیر حرکت امام را به‌گونه‌ای طراحی نمود که امام از مدینه به کوفه و قم نروند؛ امّا مرجعیّت امام مؤثّرتر از این حیله، کارساز شد. اجتماع مردم برای شنیدن و نگارش روایت سلسلة الذهب (شوشتری) و چندی بعد حضور جمع کثیری در نماز عید فطر امام از نمونه‌های آن است. (شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۶۳)

همچنین حضور علمی برخی شخصیتها مانند یونس‌بن عبدالرحمن نیز به اندازه‌ای پر رنگ است که گاه از طرف امام به عنوان مرجعیت علمی به جای امام معرفی می‌شوند. (نجّاشی، ص ۴۴۷) در دورهٔ متأخّر از امام کاظم علیه‌السلام به این ویژگیها نکتهٔ دیگری اضافه شد و آن روحیهٔ پرسشگر مأمون عباسی و رونق بخشی به دارالحکمة بود که در نتیجهٔ اندیشهٔ ترجمه متون غیر عربی و فهم تفکّر مردمان غیر مسلمان را تقویت بخشید و باعث رونق بحثها و دانشهای جدید در میان مسلمانان شد و دستاویزی برای جولان علمی عالمان شیعی همراه با بازنگری متون روایی و قرآنی،

۱. برای نمونه، محمّدبن علی، از نیشابور هفتاد ورقهٔ سؤال را برای پاسخگویی نزد امام می‌آورد تا جوابهای دریافتی را منتقل نماید. (احمدی میانجی، ج ۴، ص ۵۱۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

مخصوصاً در مبحث توحید و امامت گردید که بی‌شک، دو جنبهٔ توانایی‌های فوق‌العادهٔ امامان در پاسخگویی و نیز ارائهٔ معانی تفصیلی‌تر از موضوع امامت، در آن اثرگذار بوده است.

مرحوم نجّاشی در ترجمهٔ ۶۴ نفر از مصنفین، عبارت «روی عن الرضا» را به کار می‌برد که غالباً این افراد دارای توثیقاتی صریح می‌باشند. (برای نمونه، نک: نجّاشی، ص ۲۱، ۲۵، ۳۰، ۳۶، ۵۱، ۷۳، ۷۴، ۹۰، ۹۹، ۱۰۴، ۱۴۱، ۴۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۹) همچنین از میان سیصد نفر از اصحاب امام رضا علیه‌السلام حدود چهل نفر شاخص وجود دارد ـ تنها ابن ابی‌عمیر ۹۴ کتاب را در این دوران تدوین کرده است (همان، ص ۳۲۶) ـ در حالی‌که از میان انبوه اصحاب امام صادق علیه‌السلام تنها پنجاه نفر همانند اصحاب اجماع شاخص و برگزیده‌اند. (طباطبایی، ج ۱، ص ۲۹۸)

۳ـ۳) شرایط اجتماعی و اقتصادی

انتشار شیعیان در نقاط مختلف سرزمین اسلامی که تحت تأثیر خفقان سیاسی رخ داده بود، با استقبال عمومی مردم نسبت به سادات و اصحاب امامان، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای را در ایجاد و شکل‌گیری پایگاههای شیعی در پی داشت و حتّی گاه گسترهٔ آن به آسیای دور نیز می‌رسید. از این رو، تشکیلات سازمان وکالت عهده‌دار وظایف مهمی مانند به کارگیری شبکهٔ پیچیدهٔ وکلا و ارجاع آنها به یکدیگر، تقسیم‌بندی مناطق، تعیین میزان اختیارات آنها در حوزهٔ منابع مالی شد و نفوذ در سیستم حکومتی بنی‌عبّاس در دورهٔ هارون با همکاری علی‌بن یقطین را عهده گرفت. (جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام، فصل ۱، ۲، ۷)

۳ـ۳ـ۱) مهمترین انشعابات اجتماعی

در اینجا مناسب است به دو پدیدهٔ اجتماعی مهم اشاره شود: نخست بروز انشعاب در شیعیان به هنگام وفات امام صادق علیه‌السلام در قالب فرقهٔ فطحیه و اسماعیلیه و دوم انشعاب برخی شیعیان به عنوان گروه واقفیه با شهادت امام کاظم علیه‌السلام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

در بروز دو انشعاب می‌توان به تأثیر جوّ خفقان و برخی روایات اشاره کرد که بنابر مصالحی امامت را در فرزند بزرگ‌تر می‌دانست. بر این اساس، برخی اعتقاد داشتند که فرزند بزرگ‌تر امام، اسماعیل از دنیا نرفته بلکه غایب شده است؛ هر چند که او در زمان امام صادق علیه‌السلام رحلت نمود. برخی دیگر با تأیید رحلت او به فرزند دیگر امام صادق علیه‌السلام یعنی عبدالله افطح گرایش پیدا کردند. اسماعیلیان به سرعت از شیعیان فاصله گرفتند و به مصر (غرب) مهاجرت نمودند و در آنجا تشکیل حکومت دادند. اینان در مهاجرت خود با تأویل روایتی چنین استناد می‌کردند که محل ظهور قائم همان محل غروب خورشید است. (جاسم محمّد حسین، ص ۱۸۸) در برابر، غالب عالمان و اصحاب میانی امام صادق علیه‌السلام به جهت وجود روایات متعددی (کلینی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۹۵) که امامت را در فرزند بزرگ‌تر می‌دانست (کشّی، ص ۲۵۴) از یک سو و مخفی بودن نام امام در اثر فضای خفقان ابتدا آن را بر عبدالله افطح تطبیق دادند، امّا در کمتر از هفتاد روز با دو علّت عدم پاسخگویی به سؤالات توسط عبدالله و وفات او از اعتقاد خود پشیمان شدند. (کشّی، ص ۳۴۵) و جز برخی از ایشان همگی به امام کاظم علیه‌السلام روی آوردند.

در این میان، امّا واقفی‌ها مشکلی فراتر داشتند که کار را بر امام رضا علیه‌السلام سخت می‌کرد و آن اقدام بر وقف از طرف برخی وکلای نامدار امام کاظم علیه‌السلام و راویان پر تعداد بودند که علاوه بر در اختیار داشتن اموال بسیاری از امام (کشّی، ص ۴۶۷) در نزد مردم نیز جایگاه مهمّی داشتند. شدّت عمل ایشان در برخورد با امام رضا علیه‌السلام گاهی به اندازه‌ای شدید می‌شد که به جعل حدیث (نجّاشی، ص ۱۱۹) و نیز انکار کلام امام می‌رسید. (کشّی، ص ۹۲) آن حضرت خود در این‌باره خطاب به محمّدبن فضیل می‌فرماید:

لعنهم الله ما أشد كذّبهم أما أنّهم يزعمون أني عقيم و ينكرون من يلي هذا الأمر من ولدي. (کشّی، ص ۷۵۹)

این گروه نیز با گذشت زمان و موضع‌گیری شیعیان ـ همانند لعن در نماز و کلاب

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

ممطوره ناميدنشان ـ (کشّی، ص ۴۶۱) و مرجعیت علمی امام، رو به ضعف نهاد و در زمان امام عسکری علیه‌السلام از میان رفت.

برآیند عناصر تاریخی اثرگذار در این دوره نشان می‌دهد که علی‌رغم غلبهٔ جوّ خفقان در طول این دوره، اهل بیت توانسته‌اند در تثبیت اندیشه‌های شیعی و دفع شبهه از آن، تحوّلی عظیم را پدید آورند و با پرورش شاگردان دانشمند و رفع نیازهای علمی جامعه، مدرسهٔ امام صادق علیه‌السلام را در دیگر شهرها رونق ببخشند.

۴. دورهٔ امامت جواد علیه‌السلام تا آغاز عصر غیبت

۴ـ۱) اوضاع سیاسی

با به قدرت رسیدن معتصم، شرایط سیاسی دچار خفقان فوق‌العاده‌ای شد. در فاصلهٔ حدودی ۶۳ سال (سال ۲۰۲ هـ تا ۲۶۵ هـ) چهار امام در سخت‌ترین شرایط و در جوانی به شهادت رسیدند[1]. فراخوانی عسکریین علیهماالسلام به سامرا و فشارهای سیاسی، تفاوتی میان حبس در خانه یا زندان نمی‌گذاشت و امامان جز اندک مواردی که برای اعلام حضور در دارالاماره حاضر می‌شدند (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۹)، نمی‌توانستند از خانه خارج شود. این دو امام نیز در فاصلهٔ کوتاهی به شهادت می‌رسند.

۴ـ۲) اوضاع فرهنگی

در این میان امّا اوضاع فرهنگی شیعیان دارای ویژگی خاصّی بود و آن به امامت رسیدن سه امام خردسال و یک امام نوجوان در این دوره بود. آنچه در این میان اهمیّت دارد تبیینهای امامان پیشین نسبت به امکان این امر همانند حضرت عیسی علیه‌السلام بود (کلینی، ج ۱، ص ۳۲۲) و این نشان‌دهندهٔ بررسی و تفصیل معارف و جزئیّات آن در دورهٔ پیشین بود که حتّی مأمون نیز بدان معتقد بود. (حمیری، ص ۱۶۷) رشد فکری و تولید دانش به وسیلهٔ جمع زیادی از عالمان شیعی در کنار تلاش گستردهٔ امامان بر خود اتّکایی شیعیان در حلّ مسائل و نظارت بر آن از طریق وکلا،

۱. همچنین در این مدّت تقریباً ده نفر از بنی عباس به حکومت رسیدند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

حاکی از طی نمودن مسیر فرهنگی پویا وکارآمدی بود و آمادگی آنها را برای ورود به دوران غیبت امام نشان می‌داد. غالب امور شیعیان از طریق وکلای خاصّ آن حضرت اداره می‌شد که وکلای مناطق دیگر با او در ارتباط بودند و اخبار آن را به امام می‌رساندند. از این رو، امام عسکری علیه‌السلام گاه از پس پرده با اصحاب خود سخن می‌گفت و ارتباط خود را کاهش داد[1].

به طور مشخّص، عثمان‌بن سعید از زمان امام هادی علیه‌السلام امر وکالت را به عهده داشت و امور سایر وکلا را اداره می‌کرد و اطلاعات و اخبار را در اختیار امامان می‌نهاد تا در صورت لزوم، از طریق توقیعات پاسخ داده شود. برای نمونه، می‌توان به تعداد فراوان نامه‌های امام هادی علیه‌السلام اشاره کرد. (خزعلی، موسوعة الإمام الهادی علیه‌السلام، ج ۳، ص ۲۳۲) و یا به نامهٔ امام عسکری علیه‌السلام در پاسخ به قمی‌ها اشاره کرد. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۵۴)

در این مدّت، انحراف برخی وکلا و فرهیختگان و در رأس آنها شلمغانی بدون آنکه بتواند موجب پدید آمدن فرقه شود، با قاطعیت از طرف امام عسکری علیه‌السلام و امام زمان و نیز مدارس علمی شیعیان، از میان رفت. وجود مدارس حدیثی قم، کوفه، بغداد، ری، سمرقند، نیشابور و نقاط دیگر به همرها صدها تألیف ارزنده در علوم مختلف و در برابر پرسشهای مطرح در جامعه، نشان‌دهندهٔ یک خیزش علمی و نشر معارف در این بلاد است که نمونهٔ آن مرحوم حمیری است که بیشترین نوشته‌ها را با عنوان مسایل جمع‌آوری نموده است[2].

۴ـ۳) اوضاع اجتماعی و اقتصادی

هر چند با حضور امامان در بغداد و سامرا، شیعیان نمی‌توانستند حضور

---

۱. البته برخی اصحاب نیز نسخه‌هایی را از امام نوشته‌اند که سالها بعد آن را نشر داده‌اند. (نجاشی، ص ۲۹۷ و ۳۰۴)

۲. مسائل الرجال و مکاتباتهم أبا الحسن الثالث علیه‌السلام، مسائل لأبی محمّد الحسن علیه‌السلام علی ید محمّدبن عثمان العمری، کتاب قرب الإسناد إلی صاحب‌الأمر علیه‌السلام، مسائل أبی محمّد و توقیعات. نیز نک: نجاشی، ص ۴۶۱۹۱، ۱۶۱، ۲۸۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

اجتماعی چشمگیری در کنار امامان داشته باشند، با این همه، در تمام این دوران، اهل‌بیت خصوصاً هنگام خروج امام به سمت دارالامارة از سوی مردم اکرام و استقبال می‌شدند. (خزعلی، موسوعة الإمام العسکری علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۱۷) در شهرهای دیگر نیز فعالیتهای اجتماعی مانند ارتباطات گسترده با سازمان وکالت و حتّی ادارهٔ برخی مناطق (نجّاشی، ص ۳۷۱) در عالی‌ترین سطح انجام می‌شد.

گزارشهای مفصل شیخ طوسی و مرحوم نجّاشی از بغداد، کوفه، بصره، سمرقند، کش و قم، گویای فعالیتهای علمی فراوان شیعی، در آن مناطق و پیدایش زمینه‌های مناسب برای آن در زمانی پیشین یعنی دوران امامت امام عسکریین علیهما‌السلام و دورهٔ پیش از آغاز غیبت صغری دارد. (نجّاشی، ص ۳۵۰؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۵۴ و ۴۱۵)

جمع بندی

تلاشهای پیامبر برای ایجاد یک جامعهٔ توحیدی بستر مناسبی برای فراگیری معارف الهی فراهم نمود. پس از رحلت پیامبر، عناصر تاریخی به امام اهل بیت اجازهٔ تبیین عمومی موضوعات معرفتی را نداد؛ به جز در برهه‌ای از زمان که گشایش سیاسی می‌توانست دستاویز خوبی باشد. (در تمام مدّت حکومت امام علی علیه‌السلام خفقان سیاسی، نابسامانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مانع از بروز معارف گردید.) تا آنکه به سبب تنشهای حدوداً بیست سالهٔ سیاسی میان دو رقیبی که هیچ‌گونه پشتوانهٔ فکری وحیانی نداشتند، صادقین علیهما‌السلام با استفاده از شرایط و جایگاه اجتماعی خود، در پاسخ به نسلی پرسشگر، فرهیخته و پرتلاش، بنیانهای فکری نبوی را تبیین کردند و معارف را در سطوح مختلف آن انتقال دادند تا از همراه بودن همهٔ عناصر تاریخی بهرهٔ کامل را ببرند. از این رو، از مداخله در نزاع میان آن دو رقیب پرهیز نمودند. بعدها معارف انتقالی نشان داد مواضع امامان تنها برخاسته از حقیقت وحی بود.

در دورهٔ بعد، علی‌رغم خفقان سیاسی، در سایهٔ فراهم بودن عناصر اجتماعی ـ فرهنگی پیشین، امامان در دو بعد نشر معارف و زدودن شبهات توفیق یافتند. بدین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

ترتیب، هر چند خفقان سیاسی مانع از وسعت فعالیت امامان در دورهٔ متأخر می‌شد، امّاگسترش و تعدّد عناصر تاریخی سبب شد تا اهل‌بیت با برنامه‌ای دقیق، فضای توسعه یافته علمی و خالی از شبهه را در تمرینی شصت و اندی ساله برای دوران غیبت آماده سازند.

دقّت در این فرآیند، به خوبی نشان می‌دهد که سیر تبیین معارف اهل‌بیت، چگونه از اجمال به تفصیل و در سایهٔ عناصرگوناگون تاریخی طی شده است، بی‌آنکه خللی به منظومهٔ معرفتی شیعیان وارد سازد.

منابع

قرآن کریم

الصحیفة السجادیة، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.

۱. ابن ابی‌الحدید المعتزلی. شرح نهج البلاغه. قم: مکتبة آیة الله المرعشی، ۱۴۰۴ ق.

۲. ابن الاثیر الشیبانی، علی‌بن ابی الکرم. الکامل فی التاریخ. بیروت: نشر دار صادر.

۳. ابن حجر، احمدبن علی. تهذیب التهذیب. بیروت: نشر دارالفکر.

۴. ابن شهرآشوب، محمّد. مناقب آل ابی‌طالب علیهم‌السلام. قم: مؤسسة العلامة للنشر، ۱۳۷۹ ق.

۵. ابن طاووس، سیّد علی. الأمان. قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.

۶. ـــــــ اللهوف. طهران: دار العالم (جهان)، ۱۳۴۸ ش.

۷. ابن قولویه قمی. کامل الزیارات. نجف: دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ ق.

۸. ابن کثیر دمشقی. البدایة و النهایة. بیروت: دار الفکر.

۹. ابن منظور. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

۱۰. ابوریه، محمود. اضواء علی السنة المحمدیة. قم: اسماعلیان.

۱۱. ابوالفرج الاصفهانی. الأغانی. تحقیق: خلیل محیی الدّین، دار الکتاب المصریة، ۱۳۵۸ ق.

۱۲. احمدی میانجی. مکاتیب الائمة علیهم‌السلام. قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.

۱۳. ـــــــ مکاتیب الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله. قم: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.

۱۴. امینی، علامه عبدالحسین. الغدیرفی الکتاب و السنة و الأدب، مرکز الغدیر للدراسات، ۱۴۱۶ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۱۵. آل یاسین شیخ راضی. صلح امام حسن علیه‌السلام. مترجم: آیت الله خامنه‌ای، آسیا، ۱۳۴۸ ش.
۱۶. کلینی، محمّدبن یعقوب. الکافی. طهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. ثقفی، ابراهیم‌بن محمّد. الغارات. قم: دار الکتاب، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. جاحظ، عمروبن بحر. البیان و التبیین. بیروت: دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
۱۹. ـــــــــ الرسائل السیاسیة. بیروت: دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
۲۰. جباری، محمّدرضا. سازمان وکالت ونقش آن در عصر ائمة علیهم‌السلام. قم: مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. حرانی، حسن‌بن شعبة. تحف العقول. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. حمیری معافری، ابن هشام. السیرة النبویة. ابن هشام، بیروت: دار المعرفة.
۲۳. خزاز قمی، علی‌بن محمّد. کفایة الأثر. قم: دار بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۴. خزعلی. موسوعة الإمام الهادی علیه‌السلام. قم: مؤسسة ولی العصر(عج)، ۱۴۲۴ ق.
۲۵. ـــ موسوعة الإمام العسکری علیه‌السلام. قم: مؤسسة ولی العصر(عج)، ۱۴۲۶ ق.
۲۶. الدیوه جی سعید. بیت الحکمة. موسسه دار الکتب، ۱۳۹۲ ق،
۲۷. ذهبی. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام. تحقیق: تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. سبط‌بن جوزی. تذکرة الخواص. قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
۲۹. ـــــــ کمال الدین. قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۵ ق.
۳۰. سیّد رضی. نهج البلاغه. قم: دارالهجرة للنشر.
۳۱. شوشتری، نورالله. احقاق الحق و ازهاق الباطل. قم: مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. شیخ مفید. الإرشاد. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. صفار، محمّدبن الحسن‌بن فروخ. بصائر الدرجات. قم: مکتبة آیة الله المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. طباطبایی، سیّد محمّد کاظم. تاریخ حدیث شیعه. تهران: سمت، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. طبرسی، احمدبن علی. الإحتجاج. مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. طبری، محمّدبن جریر. دلائل الإمامة. قم: دار الذخائر للمطبوعات.
۳۷. ـــــــ المسترشد فی الإمامة. قم: کوشان‌پور، ۱۴۱۵ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۳۸. عبدالله بن جعفر حمیری. قرب الإسناد. طهران: مکتبة نینوی.

۳۹. علامة مجلسی. بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار. بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۴۰. قرشی، باقر شریف. حیاة الإمام الحسین علیه‌السلام. قم: مدرسه ایروانی، ۱۴۱۳ ق.

۴۱. کشّی، محمّدبن عمر. رجال الکشی. مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۴۲. محمّدحسین، جاسم. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عج). مترجم: آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.

۴۳. نجاشی، أحمدبن علی. رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۴۴. هیثمی، علی‌بن ابی‌بکر. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. تحقیق: عبدالله محمّد درویش، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ ق.

۴۵. یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب. تاریخ الیعقوبی. کاتب. نجف: مطبعة الغری. ۱۳۵۸ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]